

# حافظ ابو نعیم صفا

## ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

« در شماره ۱۳۱ این مجله صفحه ۳۶ درپاورقی (۶) راجع به نسب حافظ ابو نعیم اصفهانی شرحی نگاشته شده حاکی از اینکه ابو نعیم حافظ اصفهانی سبط احمد بن یوسف بناء اصفهانی بوده است ، اینک مقاله تحقیقی جامعی درباره حافظ اصفهانی رسیده ونویسنده شرح زندگی واحوال حافظ ابو نعیم اصفهانی را به تفصیل بازگو نموده است که در زیر از نظر تان خواهد گذشت . »

- الف - نام و کنیه و لقب و شهرت و نسب او از طرف پدر :
- ۱ - نام او احمد و کنیه اش ابو نعیم ( بصیغه تصغیر ) و لقبش امام ومحدث وشهرتش حافظ اصفهانی است .
  - ۲ - نام پدرش عبدالله و کنیه اش ابو محمد و سلسله نسبش باین ترتیب :  
ابو محمد عبدالله بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی به نیای اعلاش مهران که نخستین کسی است از این خانواده که اسلام اختیار کرده متصل میگردد .
- ب - مدارئه انتساب او از طرف پدر :
- ۱ - خود ابو نعیم در دیباچه کتاب ذکر اخبار اصفهان نسبش را چنین بیان کرده :  
الشیخ الامام الحافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق الاصفهانی<sup>۱</sup> .
  - ۲ - در جای دیگر همان کتاب نسب پدرش را چنین گفته :  
ابو محمد عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران مولی عبدالله بن معاویه بن عبدالله جعفر بن ابی طالب پدرم<sup>۲</sup> .
  - ۳ - در محاسن اصفهان گفته : ابو نعیم احمد بن عبدالله بن اسحاق الحافظ<sup>۳</sup> .
  - ۴ - دروفیات الاعیان آمده : ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی<sup>۴</sup> .
  - ۵ - در معالم العلماء باین تعبیر آمده : الحافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله الاصفهانی<sup>۵</sup> .
  - ۶ - ابن اثیر گفته : ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق الاصفهانی<sup>۶</sup> .
  - ۷ - ابوسعید سمعی چنین توصیف کرده : ابو نعیم احمد بن عبدالله الحافظ<sup>۷</sup> .
  - ۸ - در معجم البلدان گفته شده : الامام ابو نعیم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران سبط محمد بن یوسف بناء الحافظ المشهور<sup>۸</sup> .
  - ۹ - مؤلف نظام الاقوال گفته : الشیخ الحافظ الثقة العدل ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی<sup>۹</sup> .

- ۱۰ - در روضات الجنات چنین تعریف شده : الشيخ الفقيه النبيه المتقن الحافظ ابو نعيم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسى بن مهران الاصفهاني<sup>۱۰</sup> .
- ۱۱ - در كشف الظنون گفته : ابو نعيم احمد بن عبدالله بن احمد<sup>۱۱</sup> .
- ۱۲ - در اسماء المؤلفين باين بيان است : ابو نعيم احمد بن عبدالله بن اسحاق بن موسى بن مهران اصفهاني حافظ<sup>۱۲</sup> .
- ۱۳ - در ريحانة الادب همان بيان اسماء المؤلفين تايبید شده است<sup>۱۳</sup> .
- ۱۴ - نامه دانشوران عهد ناصري اورا چنین توصيف کرده : ابو نعيم احمد بن عبدالله بن اسحاق بن موسى بن مهران<sup>۱۴</sup> .
- ۱۵ - در الذريعة الى تصانيف الشيعة نسبش چنین است : ابو نعيم احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسى بن مهران الحافظ الاصفهاني<sup>۱۵</sup> .
- ۱۶ - محدث قمی گفته : ابو نعيم الاصفهاني (مصغراً) الحافظ احمد بن عبدالله بن احمد<sup>۱۶</sup> .

### ج - اقوام واقارب پدری ابو نعيم :

- ۱ - ابو محمد عبدالله پدر ابو نعيم در سال ۲۳۱ متولد و در سال ۳۶۵ که عمرش به يكصد و سي و چهار سال ميگرديد بدرود زندگي گفت و در مقبره رُوشاباذ<sup>۱۷</sup> يا دُوشاباذ<sup>۱۸</sup> ترديدك جدمادرش محمد بن يوسف بنای صوفی مدفون گرديد ؛ نامبرده از محدثان و از ابو خليفه و عبدان و جمعی ديگر روايت ميکرده و حافظ ابو نعيم پسرش از او حديث بسيار نقل کرده است<sup>۱۹</sup> .
- ۲ - ابو احمد برادر ابو نعيم بنام عبدالرزاق است که چهل باز در عرفات وقوف کرده و هنگام مراجعت از سفر حج در سال ۳۹۵ در باديه وفات يافت . او محدث بود و از طراني احاديث بسيار نقل کرد و نیز از شعار و در عراقين و حرمين حديث استماع کرد و در بغداد و جاهای ديگر از او حديث شنيدند<sup>۲۰</sup> .
- ۳ - ابو طاهر نقری محتسب ابراهيم بن احمد بن اسحاق پسر عموی ابو نعيم و نوه محمد بن يوسف بناء صوفی متوفی شوال ۳۶۴ از محدثان که حديث از محمد بن ابراهيم بن

- ۱ - ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱ .
- ۲ - ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۹۳ .
- ۳ - محاسن اصفهان . ص ۲۹
- ۴ - ۵ - روضات الجنات ص ۷۵ .
- ۶ - جزء ۹ کامل ابن اثير ص ۱۷۳ .
- ۷ - الانساب سمعاني ص ۳ .
- ۸ - معجم البلدان ج ۱ ص ۲۱۰ .
- ۹ - نامه دانشوران ج ۷ ص ۵ .
- ۱۰ - ۱۱ - روضات الجنات ص ۷۴ .
- ۱۲ - اسماء المؤلفين ص ۷۰ .
- ۱۳ - ريحانة الادب ج ۵ ص ۱۸۵ .
- ۱۴ - نامه دانشوران ج ۷ ص ۱ چاپ قم .
- ۱۵ - الذريعة ج ۱۹ ص ۲۸ .
- ۱۶ - هدية الاحباب ص ۴۲ .
- ۱۷ - ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۹۳ .
- ۱۸ - ذکر اخبار اصبهان ج ۱ ص ۱۰۰ .
- ۱۹ - ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۹۳ .
- ۲۰ - ذکر اخبار اصبهان ج ۲ ص ۳۰۷ .

المنذر نیشابوری در مکه و حسین بن یحیی بن عیاش شنید ، و در شام و عراق احادیث بسیار نوشت<sup>۴۱</sup> .

۴ - ابو مسعود محمد بن عبدالله احمد برادر دیگر ابو نعیم از محدثان که حدیث از عبدالله بن جعفر بن احمد بن فارس و محدثان بعد او استماع کرده است<sup>۴۲</sup> .

۵ - مهران نیای اعلائی ابو نعیم مؤلی عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب از احفاد جعفر طیار است که در سال ۱۲۷ هجری مقارن حکومت مروان حمار در کوفه خروج کرد و از آنجا بمدائن رفت و شیعه کوفه بوی ملحق شدند و سپس با لشکری آراسته از مدائن خارج و باطراف تاخت و حلوان و همدان و قومس و جبال و اصفهان را بگرفت ؛ و همین کس است که فرقه اسحاقیه از پیروان اویند ؛ و معلوم میگردد که مهران نیای ابو نعیم در همین زمان که عبدالله بن معاویه اصفهان را گشود بدست وی افتاد و اسلام اختیار کرد<sup>۴۳</sup> .

۵ - نسب ابو نعیم از طرف مادر پدر :

بطوریکه حافظ اصفهانی در چند مورد بیان کرده ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معدان بن یزید بن عبدالرحمن ثقفی بنای صوفی پدر مادر عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران بوده است<sup>۴۴</sup> .

مدارکی که دلالت بر این انتساب دارد بشرح زیر است :

۱ - در شرح حال ابوبکر محمد بن عبدالله بن ممشاذ بن زید قاری معروف بقندیل گفته : او از صحابه جدم محمد بن یوسف بود<sup>۴۵</sup> .

۲ - در ترجمه ابو عبدالرحمن عبیدالله بن یحیی بن محمد بن المدینی المتعبد گفته : او از یاران جدم محمد بن یوسف بود و حدیث از او شنیده بود و مصنفات جدم را چون کتاب معاملات القلوب از او نقل میکرد<sup>۴۶</sup> .

۳ - در شرح حال ابو عبدالله شاعر احمد بنی بندار بن اسحاق متوفی ۳۵۹ چنین گفته : ابو عبدالله شاعر از جدم محمد بن یوسف حدیث نقل میکرده است<sup>۴۷</sup> .

۴ - در بیان سرگذشت ابو الحسن علی بن سهل بن محمد الازهر صوفی متوفی ۳۰۷ چنین گفته : ابو الحسن صوفی از اصحاب جدم محمد بن یوسف بناء بوده است<sup>۴۸</sup> .

۵ - در وصف حال ابو احمد یعقوب گفته : ابو احمد یعقوب برادر جدم محمد بن یوسف بنای اصفهانی است<sup>۴۹</sup> .

۶ - گفته نظام الدین قرشی در نظام الاقوال باین شرح : من قبر ابو نعیم را در اصفهان زیارت کردم و این عبارت بر فراز آن نوشته بود . . . . . رواه الشيخ الحافظ الفقيه العدل ابو نعیم احمد بن عبدالله سبط محمد بن یوسف البناء اصفهانی<sup>۵۰</sup> .

۸ - گفته صاحب ریاض العلماء اینکه ابو نعیم از نیره های محمد بن یوسف بنای صوفی است<sup>۵۱</sup> .

۹ - یاقوت حموی گفته : ابو نعیم سبط محمد بن یوسف بناء میباشد<sup>۵۲</sup> .

۱۰ - ابو نعیم در شرح حال پدرش عبدالله گفته : پس از وفات نزد گور جدمادریش محمد بن یوسف مدفون گردید و مبین اینست که محمد بن یوسف پدر مادر عبدالله بوده است<sup>۵۳</sup> .

۵ - اقارب ابو نعیم از طرف مادر پدر :

۱ - محمد بن یوسف بناء صوفی ثقفی :

نسب ابو نعیم چنانکه گفته شد از طرف مادر پدرش چنین است :

ابو نعیم احمد بن عبدالله بن بنت محمد بن یوسف بن معدان یزید بن عبدالرحمن ثقفی اصفهانی . ابو عبدالله بنای صوفی جد مادری ابو نعیم در سال ۲۸۶ وفات یافت و در مقبره روشاباذ<sup>۴۴</sup> و یا دوشاباذ مدفون گردید . مقبره او در سال ۸۸۰ که خادم آن ججال نامی بوده دائر و اثر آن تا اوائل قرن ۱۴ هجری دیده شده است<sup>۴۵</sup> .

او از محدثان و صوفیان بنام بود که در سال ۲۴۵ زیارت حج کرد و خود حدیث از عبدالجبار و سعید مخزومی و عابدی و حسین مروزی و محمدبن منصور خزاد و ابراهیم بن سلام بن حبیب و محمدبن جعفر بن زینور و اسحاق بن الجراح الاذنی و احمد بن محمد بن بگره و یحیی بن حبیب بن عربی و بصریان و اصفهانیان و نیز از شامیان چون برکة بن محمد الحسینی و طبقة اش در سال ۲۰۵ در شام حدیث نوشت. ابو محمد بن حیان در کتاب<sup>۳۶</sup> خود نوشته است که شیخ محمد مروی مستجاب الدعوة و در علم تصوف رئیس بود و کتابهای نیکوئی تصنیف کرده و یکی از کتابهای او معاملات القلوب بوده است<sup>۳۷</sup>.

۲ - شیخ یوسف بنای صوفی :

نسب شیخ یوسف بطوریکه پیش ذکر شد باین ترتیب است : یوسف بن معلان بن یزید بن عبدالرحمن ثقفی .

شرح حال او را مؤلف طرائق الحقایق چنین بیان کرده است<sup>۳۸</sup>.

شیخ یوسف از عرفای معروف قرن سوم و از نیاهای مادری ابونعیم و مجلسیین بوده که سلسله طریقتش چنین است :

شیخ یوسف از شیخ ابوالعباس موسوس و او از شیخ احمد بن اسماعیل مغربی و او از شیخ ابوبکر وراق و او از شیخ ابو عبید بصری و او از شیخ عبدالله مکی و او از ابو عبدالله و او از فضل و او از احمد و او از یحیی و او از ابوالحسین عمر حداد و او از یحیی بن معاذ رازی و او از حاتم اصم و او از سلیمان دارانی و او از یزید بسطامی و او از شفیق بلخی و او از معروف کرخی و او از فضیل عیاض و از ذوالنون مصری و او از ابراهیم ادهم و او از حسن بصری و او از امیر المؤمنین علیه السلام .

مدفن شیخ یوسف بطوریکه معاصران نوشته اند در محله خاجو بوده است<sup>۳۹</sup>.

۳ - احمد بن محمد بن یوسف :

ابوبکر احمد دائی عبدالله پدر ابونعیم از محدثان بوده که در سال ۲۷۱ وارد عراق شد و در آنجا از حجازیها و عراقیها از یوسف بن یعقوب نجاحی و ابن ابی مسرر و صابغ و علی بن داود قنطری و ابوقلابه و جمعی دیگر حدیث روایت میکرد<sup>۴۰</sup>.

- ۲۱ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۹۸ .
- ۲۲ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۳۰۷ .
- ۲۳ - نامه دانشوران ج ۷ ص ۷ - ۸ چاپ قم .
- ۲۴ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۲۰ .
- ۲۵ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۸۶ .
- ۲۶ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۱۰۳ .
- ۲۷ - ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۱۵۱ .
- ۲۸ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۱۴ .
- ۲۹ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۳۵۲ .
- ۳۰ - بنقل از نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۵ .
- ۳۱ - روضات الجنات ص ۷۴ .
- ۳۲ - بنقل از نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۵ .
- ۳۳ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۹۳ .
- ۳۴ - آثار ملی اصفهان ص ۲۲ - ۲۳ .
- ۳۵ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۹۳ .
- ۳۶ - الطبقات الاصفهانية .
- ۳۷ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۲۰ .
- ۳۸ - طرائق الحقایق ج ۲ ص ۱۵۱ .
- ۳۹ - بزرگان و دانشمندان اصفهان ص ۱۱۱ .
- ۴۰ - ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۱۳۳ .

۴ - یعقوب بن یوسف بن معدان :

او برادر محمد بن یوسف بود و در عراق و شام و مصر و حجاز از یحیی بن ابی طالب و حسن بن مکرم و ربیع بن سلیمان و ابن ابی میسره و الناس اصول و مصنفات را نوشته است<sup>۴۱</sup> .

۵ - دختر محمد بن یوسف :

وی مادر عبدالله بن احمد و زوجه احمد بن اسحاق و جد ابونعیم بوده است .  
در خاتمه متذکر میگردد که در اصفهان چند تنی بنام محمد بن یوسف بشرح زیر وجود داشته اند :

۱ - محمد بن یوسف بن محمد صوفی اصفهانی یکی از محدثان که با يك واسطه شیخ حدیث ابونعیم بوده است<sup>۴۲</sup> .

۲ - ابوالعباس محمد بن یوسف اصفهانی از محدثان ساکن بغداد که او هم بایک واسطه شیخ حدیث ابونعیم بوده است<sup>۴۳</sup> .

۳ - ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد جلاب (گلابفروش) از محدثان قرن سوم که از احمد بن محمد بن مهران متوفی (۲۸۴) و جمعی دیگر روایت کرده است<sup>۴۴</sup> .

۴ - ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معلان بن سلیمان معروف بعروس الزهّاد :

وی ساکن محله جودجیر اصفهان بود ولی در مصیبه در جنب مخد بن الحسین متوفی (۱۸۴) در سن قریب ۴۰ مدفون گردید . و اوراست مناقبی مشهور در میان زهاد و اوست که معروف به محمد بن یوسف معلانی و از اقارب اوست : محمد بن ابراهیم المعلانی معروف به شنبویه که محمد بن یحیی بن منده از او حدیث نقل کرده است<sup>۴۵</sup> . عروس الزهّاد از عده ای حدیث روایت میکرده و از آن جمله اعمش و ثوری . او کتابهای خود را پیش از مرگ دفن کرد و بخود میگفت : فرض کن تو قاضی بودی بعد چه میشد ؟ فرض کن مفتی هستی نتیجه چیست ؟ فرض کن محدثی عاقبت چه ؟ و تمام علایق را ترك و بتوحید و خمبول و تعبد پرداخت ، و راه و رسم شریعت را پیروی کرد . از او منقول است که در راه مکه در حالی که بطرف چپ و راست خود نگاه میکرد این اشعار را گفت :

مَرَّ بدارالمُتَرَفِّينَ وَقُلْ لَهُمْ  
و مَرَّ بدارالعابدين وَقُلْ لَهُمْ  
أَيْنَ ارباب المصانع والقنرى  
الاقطع الموت التَّنصَّبَ والعنا

یعنی بگذر بخانه متنعمان و بگو برای آنان : کجايند صاحبان کاخها و آبادیها ؟ و بگذر بخانه عابدان و بگو برای آنان : آیا مرگ رنج و عذاب را قطع نکرده است ؟<sup>۴۶</sup>

۵ - ابو عبدالله محمد بن یوسف بن الولید تیمی اصفهانی :

وی شیخی ثقة بود و از ابو سعود و حسین بن حمزان و ابوبشر روایت میکرده و در قرن سوم میزیسته است<sup>۴۷</sup> .

بطوریکه نقل گردید این پنج تن محمد بن یوسف بوده اند که هر کدام با یکدیگر و هر پنج تن با محمد بن یوسف صوفی بناء در جهاتی اختلاف دارند .

مثلاً کنبه چهارتن آنان باین شرح :

ابو عبدالله محمد بن یوسف بن الولید .

ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد جلاب .

ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معدان بن سلیمان .

ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معدان بن یزید ثقفی بناء صوفی .

ابو عبدالله بوده ولی با یکدیگر یا در جد یا جد اعلا امتیاز دارند .

با اینکه ابو عبدالله محمد بن یوسف بنای صوفی ابن معدان یزید با ابو عبدالله محمد بن یوسف بن معدان بن سلیمان در جد اعلی که یزید و سلیمان باشد امتیاز دارند گذشته از این نخست به صوفی و بناء مشهور و دویمی به عروس الزهّاد و معدانی اشتهار دارد .

## و - شرح حال ابو نعیم :

### ۱ - ولادت :

بطوریکه مؤلف معجم البلدان بنقل از ابن منده گفته : حافظ ابو نعیم در رجب سال (۳۳۰) و بقول دیگر در سال ۳۳۴ و بقولی دیگر در ۳۳۶ ولادت یافته است .

### ۲ - تحصیلات و شاگردان و اساتید او :

بطوریکه در صفحات گذشته گفته شد پدر ابو نعیم و کسان مادر پدرش همه از علماء و محدثان و صوفیان بنام و صاحب اصول و مسند و کتاب بوده‌اند و محدث مزبور گذشته از اینکه از محضر آنان کسب علم کرده باطراف و اکناف چون خراسان و نیشابور و بغداد و کوفه و شام و مکه نیز سفر کرده و از محضر محدثان استفاده کرده است از معاریف استادان او ابواحمد محمد بن یوسف بن مکی جرجانی که در بغداد در سال ۳۵۷ از او اصل کتاب نجاری را استماع کرده است ، دیگر ابواحمد و ابوبکر مقری و ابوبکر حبال استاد قرآن و ابوالحسین خرجانی که املاء حدیث در جامع اصفهان میکرده است ، و نیز احمد بن مسلم بن محمد بن اسماعیل بن احمد معدل قاضی شهرستان که از او حدیث نوشته و تا سال ۳۶۳ زنده بوده است<sup>۴۸</sup> و نیز ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم و ابن کیسان نحوی و از اعلام شاگردان او محدث طغری و ابوعلی حداد بوده‌اند .

خلاصه مورد اتفاق اعلام شیعه و سنی است که از لحاظ علم حدیث و زهد در شمار اعظام عصر خود بوده و حتی بعلم حسد مورد طعن و ملامت بعضی چون ابوالفرج بن جوزی قرار گرفته است ، و دیگران مانند اسعد یافعی در مرآت الجنان ابن جوزی را مذمت کرده و این اشعار را در این باب شاهد آورده است :

لئن ذمها جارا ثها و ضائر  
بمنظر البا و منطقتها الحلی  
فما سلمت حسناء من ذم حاسد  
و صاحب الحق من عداوة باطل

یعنی اگر همسایگان و هووهایش محبوبه او را بسخن شیرین و روی نیکویش نکوهیدند شگفت نباشد زیرا هیچ صاحب جمالی از گزند عیبجویان سالم نماند و نه هیچ صاحب حقی از عداوت بی‌حق<sup>۴۹</sup> .

محدث نیشابوری درباره او گفته : حافظی است مشهور از اعلام محدثان و اکابر حفاظ ثقات علم را از افاضل فرا گرفت و افاضل از او اخذ کردند و حفاظ باو منتفع شدند<sup>۵۰</sup> .

### ۳ - تاریخ وفات او :

حافظ اصفهانی بنا بقول مشهور در روز دوشنبه ۲۰ محرم سال ۴۳۰ وفات یافت و در گورستان مردبان که از گورستانهای معروف آن زمان بودند مدفون شد<sup>۵۱</sup> .

وفات ابو نعیم را در تاریخ مزبور صاحب وفيات الاعیان<sup>۵۲</sup> و صاحب کامل<sup>۵۳</sup> تأیید کرده‌اند .

- ۴۱ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۳۵۲ .
- ۴۲ - ۴۳ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۴۹ .
- ۴۴ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۳۰۶ .
- ۴۵ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۱۹۹ .
- ۴۶ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۱۷۱ .
- ۴۷ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۶۶ .
- ۴۸ - ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۱۵۶ .
- ۴۹ - نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۳ .
- ۵۰ - نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۱ .
- ۵۱ - معجم البلدان - چاپ جدید ج ۱ ص ۲۱۰ .
- ۵۲ - ۵۴ - نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۶ .
- ۵۳ - کامل ابن اثیر جزء ۹ ص ۱۷۳ .

دراخبارالبشر نقل شده که ابونعیم اصفهانی از معروفان حفاظ و ابن خیاط از محیّدین شعراء در سال ۵۱۷ وفات یافته‌اند و در جای دیگر همان کتاب گفته تاریخ وفات ابونعیم و شیخ ابوالفتح بستنی در سال ۴۳۰ اتفاق افتاده است<sup>۵۴</sup>. ابن جوزی تاریخ وفات را دوازدهم محرم ۴۰۲ و صاحب قاموس الاعلام ۴۰۳ نوشته‌اند<sup>۵۵</sup>.

در کشف الظنون در ترجمه کتابهای ابونعیم همه‌جا تاریخ وفات او را ۴۳۰ ولی در موقع ذکر کتاب اطراف الصحیحین تاریخ وفات او را ۵۱۷ نوشته است و همین نکته میرساند که ابونعیم اصفهانی مؤلف اطراف الصحیحین غیر از ابونعیم مؤلف حلیة الاولیاء و سائر کتابهای او بوده است.

و اما تاریخ ۴۰۲ که ابن جوزی گفته و ۴۰۳ را که صاحب قاموس الاعلام نوشته درست نیست و گمان می‌رود در اثر تحریف و تصحیف این دو تاریخ پیدا شده باشد.

توضیح اینکه در اصل ثلثین و اربعه بوده و ثلثین در اثر تصحیف و تحریف تبدیل به اثنین و اربعه شده و همین‌طور است ۴۰۳ و در تاریخ اخیر ممکن است که در استنساخ ۴۳۰ به ۴۰۳ تبدیل و تحریف شده باشد.

و اما اینکه گفته شد دو تاریخ اخیر صحت ندارد از آن نظر است که ابونعیم چنانچه کتاب ذکر اخبار اصفهان او حاکی است در سالهای ۴۰۴ تا ۱۹۴<sup>۵۶</sup> زنده بوده و با این فرض دیگر تاریخهای ۴۰۲ و ۴۰۳ بهیچوجه با واقع مطابقت ندارد و مردود است و اما تاریخ ۵۱۷ هم بدلائل زیر مردود است.

۱ - اگر تاریخ ولادت ابونعیم را ۳۳۰ فرض کنیم در ۵۱۷ عمر او بالغ بر ۱۸۷ سال و اگر ۳۳۴ فرض کنیم ۱۸۳ سال و هرگاه ۳۳۶ فرض کنیم بالغ بر ۱۸۱ سال میشود و علاوه بر اینکه این عمر معقول و طبیعی نیست مطابق گفته مؤلف محاسن اصفهان ابونعیم در ۴۴۰ وفات یافته بوده و او را جزء متقدمان شمرده است<sup>۵۸</sup>.

اما تاریخ ولادت قریب بیستین ابونعیم چنانچه خود او در کتاب ذکر اخبار اصفهان گفته: « ابو عبدالله بن متویه در جمعه سال ۳۴۰ وفات یافت و من همراه پدرم بیعت او رفتیم و یاد می‌آورم که پدرم مرا پیش او فرستاد و او سر مرا مسح کرد و تکه‌هایی قند بمن داد و خانه‌اش در راهرو مسجد جامع بود چه او امام جامع بود»<sup>۵۹</sup>، باید اذعان کرد که همان سال ۳۳۴ بوده زیرا ابونعیم در ۳۴۰ اگر کمتر از شش سال داشت بطور عادی این مطالب را فراموش میکرد پس باید قبول کرد که حداقل شش سال داشته است و با این ترتیب عمر او در صورتیکه در ۴۳۰ فوت کرده باشد بالغ بر ۹۶ سال خواهد بود که مورد اختیارنامه دانشوران است<sup>۶۰</sup> و اگر تاریخ وفات ۵۱۷ باشد عمرش بالغ بر ۱۸۳ سال میگردد که هرچند عمر این طایفه دراز و اغلب کهن سال بوده‌اند مانند: عبدالله بن احمد بن اسحاق پدر ابونعیم که عمرش در حین فوت به ۱۳۴ سال بالغ میشده است ولی همانطوریکه گفته شد و بجهت مذکور در پیش چنین عمری غیر معقول و با اوضاع و احوال و دلائل مذکور وقف نمیدهد.

پس باید اذعان کرد که سال ولادت ۳۳۴ و سال وفات ۴۳۰ بوده است و اینکه صاحب روضات الجنات گفته که سن ابونعیم هنگام وفات ۷۷ سال بوده گذشته از اینکه سندی ندارد با هیچکدام از احتمالات هم وفق نمیدهد مگر همانطوریکه در نامه دانشوران بیان شده<sup>۶۱</sup> در اصل سن او تسعین بوده و در دنباله تحریف و تصحیف در استنساخ به سبع و سبعین تبدیل گردیده و مراد صاحب روضات هم همان اصل یعنی ۹۶ بوده است.

## ز - تألیفات ابونعیم:

برای ابونعیم تألیفاتی زیاد و گوناگون بوده که بیشتر آن در دسترس باقی مانده است. کتابهایی که باو نسبت داده‌اند شرح زیر است:

- ۱ - حلیة الاولیاء که در ده مجلد بطبع رسیده است .
- ۲ - حلیة الابرار .
- ۳ - معرفة الصحابة .
- ۴ - فضایل الصحابة .
- ۵ - المعرفة .
- ۶ - دلائل النبوة .
- ۷ - الدلائل .
- ۸ - الرياضة والادب .
- ۹ - رياض المتعلم .
- ۱۰ - الطبقات .
- ۱۱ - حرمة المساجد .
- ۱۲ - ذکر اخبار اصفهان در دو جلد مطبوع .
- ۱۳ - اربعین در احوال مهدی که در نامه دانشوران در جلد ۷ چاپ قم درج شده
- ۱۴ - عرف الوردی فی احوال المهدی .
- ۱۵ - المسند المخرج علی صحیح مسلم .
- ۱۶ - کتاب الصلوة .
- ۱۷ - زینة المتعلمین .
- ۱۸ - عمل اليوم واللیلة .
- ۱۹ - المستخرج علی التوحید لابن خزيمة .
- ۲۰ - معجم شیوخ ابو نعیم .
- ۲۱ - رد الغریب المصنف ابو عبید قاسم بن سلام .
- ۲۲ - فضل العالم العقیف .
- ۲۳ - ما تزل فی القرآن .
- ۲۴ - فی امیر المؤمنین علی ع .
- ۲۵ - طب النبى .
- ۲۶ - فوائد .
- ۲۷ - فضایل الخلفاء .
- ۲۸ - الفتن .
- ۲۹ - مختصر الاستبعا ب .
- ۳۰ - منة المطهرین و مرتبة الطیبین .
- ۳۱ - اطراف الصحیحین .
- ۳۲ - کتاب المهدی .

- 
- ۵۵ - لفت نامه دهخدا ص ۹۱۴ .
  - ۵۶ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۳۰۷ .
  - ۵۷ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۳۱۰ .
  - ۵۸ - محاسن اصفهان ص ۱۰۷ و ص ۲۹ .
  - ۵۹ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۲۸۲ .
  - ۶۰ - ۶۱ - نامه دانشوران چاپ جدید ج ۷ ص ۶ .



- ۱ - وی متدین بدین اسلام و اسلامش مورد وفاق شیعه و سنی است .
- ۲ - عده‌ای او را متمایل بمذهب اشاعره دانسته‌اند مانند ابوالفرج بن جوزی<sup>۶۲</sup> و بیشتر اهل سنت .
- ۳ - صاحب ریاض العلماء و میر محمد حسین خاتون آبادی باستناد قول مجلسی او را شیعه دانسته‌اند<sup>۶۳</sup> و گفته‌اند که مطالب کتاب حلیه الاولیاء او و اربعینش دلالت بر این موضوع دارد . و این نکته را صاحب روضات الجنات نیز تأیید کرده است .  
مدارکی که حاکی از تشیع او میباشد چنین است .
  - ۱ - مطالب مندرج در کتاب حلیه الاولیاء که مورد استناد شیعه و سنی است .
  - ۲ - مطالب مندرج در کتاب المهدی .
  - ۳ - احادیثی که در کتاب ذکر اخبار اصفهان در فضل علی ع بر دیگران نقل کرده است .
  - ۴ - حکایتی را که نقل کرده‌اند که چون مردم اصفهان در زمان حیات ابو نعیم اغلب سنی بودند او را رافضی شناخته و از ورود او بجامع اصفهان منع کرده بودند تا اینکه اهل اصفهان مورد غضب سلطان محمود قرار گرفتند و خود متوجه اصفهان شد و نخست مردم را امان داد و روز جمعه که همه مردم در جامع جمع بودند فرمود تا لشکران حمله کردند و هر که در جامع بود مورد قتل واقع گردید و چون ابو نعیم از طرف مردم با اتهام تشیع ممنوع‌الورود بود جان سالم بدر برد<sup>۶۴</sup> .هرچند صحت این حکایت که از زکریای قزوینی نقل شده معلوم نیست ولی مؤید تشیع او میباشد .
- ۵ - گفته مجلسی باینکه هرچند ظاهر او میرساند که عامی مذهب بوده ولی گفته‌های او میرساند که در باطن شیعه بوده و بر حسب اقتضای زمان که حکایت بالا نیز این نکته را تأیید میکند تظاهر بتشیع نمیکرده است .
- ۶ - گفته شیخ بهائی باینکه مندرجات حلیه الاولیاء طوری است که تشیع او از آن ظاهر میگردد .
- ۷ - گفتار صاحب نظام الاقوال باینکه موقع زیارت قبر ابو نعیم در اصفهان بر لوح مزار او نوشته بوده : « قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ؛ مکتوب علی ساق العرش » « لاله الا لله وحده لا شریک له محمد بن عبدالله عبدي ورسولي وایدته بعلي بن ابي طالب رواه » « الشيخ الحافظ المؤمن الثقة العدل ابو نعیم احمد بن عبدالله سبط محمد بن يوسف البنیاء الاصفهانی » « رضی الله تعالی عنه و رفع فی اعلی علیین درجته و حشره مع یتولاه من الائمة المعصومین » « صلوات الله علیهم اجمعین »<sup>۶۵</sup> و این عبارات حاکی از آن است که ابو نعیم شیعه بوده که چنین عباراتی بر فراز مزارش نوشته شده است .
- ۸ - در معالم العلاء گفته : حافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی عامی است مگر اینکه او را کتاب منقبة الطاهرين و مرتبة الطيبين است<sup>۶۶</sup> .
- ۹ - در کتاب هدیة الاحباب او را از مشایخ محدثین و روای و اکابر حفاظ و ثقات و صاحب حلیه الاولیاء وحد مجلسین معرفی کرده<sup>۶۷</sup> و ظاهر اینستکه او را عامی ندانسته است .
- ۱۰ - در کتاب الذریعة الی تصانیف الشيعة که اختصاص به ترجمه کتب شیعه دارد اغلب کتابهای او چون تاریخ اصفهان و منازل من القرآن فی امیر المؤمنین و سایر کتابهای او را بیان کرده است و این موضوع دلالت بر این دارد که او را جزء شیعیان دانسته است .  
از مطالعه گفتار ابو نعیم در کتابهای خود و گفته‌های دیگران چنین استنباط میشود که محدث مزبور در ابتدای امر عامی بوده ولی بتدریج بتشیع گرائیده است .

## ط - مدفن ابونعیم :

۱ - نام قدیم مدفن ابونعیم مردبان بوده که محل آن در حدود فلکه و میدان پهلوی کنونی و قسمتی از چهارباغ نو و محله مورنان و آببخشان و محله شیخ مسعود را دربرمیگرفته است و معلوم میگردد که مردبان در قرون اولیه اسلام یکی از گورستان‌های بنام اصفهان بوده است و شاید باین مناسبت آنجا را مردبان مینامیده‌اند که مرده بروزن بنده در لغت قدیم و لهجه اصفهانی بمعنی مرده و میت و بان معنی محافظ و نگهبان را میداده و درواقع مردبان بمعنی نگهبان مردگان بوده است . بتدریج که وقایع دیگری اتفاق افتاده مناسبت پیشین فراموش و مناسبت نو ملاک قرار گرفته است .

۲ - مردبان تا زمان صفویه تغییر نام نداده بوده و چون در محل مزبور جشن آببخشان و آبپاشان انجام میشده بعدها بنامهای آببخشان و آب بخشان خوانده شده است .

۳ - بطوریکه نوشته‌اند<sup>۶۸</sup> ابونعیم پس از وفات در گورستان مردبان مدفون گردید و مزارش چنانچه صاحب نظام‌الاقوال گفته مورد توجه بوده تا اینکه در زمان میرلوحی سبزواری مورد بی‌مهری واقع و دچار خرابی گردیده است .

۴ - شیخ ابومسعود رازی نیز در همین مردبان مدفون گردیده ولیکن محل دفن او با مدفن ابونعیم مسافتی دارد .

۴ - آببخشان (گورستان) اکنون تبدیل بساختمانهای مختلف گردیده و اثری از گورستان جز چند قبر دیده نمیشود .

## ی - مقبره دوشاباذ :

۱ - محل آن :

بطوریکه تحقیق گردیده مقبره دوشاباذ یا دوشاباذ در قدیم در محل معروف به خاجوی بزرگ واقع بوده است والان معروف به محله شیخ یوسف و شیخ سبنا میباشد و بطوریکه نوشته‌اند در محله خاجو قرار دارد .

۲ - کلمه مزبور در دو جای ذکر اخبار اصفهان آمده : یکی بصورت دوشاباذ<sup>۶۹</sup> و دیگری دوشاباذ<sup>۷۰</sup> ولی متأخران همان دوشاباذ نوشته‌اند .

بنظر نگارنده درست آن همان دوشاباذ است چه در لهجه قدیم اصفهانی روش بروزن خوش بمعنای روشن و روشنایی و اباذ هم حاکی از بناکننده بوده است و دوشاباذ معنای مناسبی نمیدهد مگر اینکه مقصود این باشد که در دوشین آباد شده باشد ولی در حال و باتوجه باینکه در نوشتن دال و راء اغلب مشابهت حاصل میشود باید همان شق اول را پذیرفت .

۳ - کسانی که در مقبره دوشاباذ مدفون شده‌اند نخست محمدبن یوسف بنای صوفی و دیگر عبدالله بن احمد بن اسحاق پدر ابونعیم است و دراینکه شیخ یوسف بنای صوفی هم در آنجا

۶۲ - نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۲ .

۶۳ - نامه دانشوران چاپ جدید قم ج ۷ ص ۳-۴ .

۶۴ - نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۴ - ۵ .

۶۵ - نامه دانشوران چاپ قم ج ۷ ص ۵ .

۶۶ - روضات الجنات ص ۷۴ .

۶۷ - هدیه الاحباب ص ۴۲ .

۶۸ - معجم البلدان ۱ ۶ ص ۱۱۰ .

۶۸ - معجم البلدان ج ۱ ص ۱۱۰ .

۶۹ - ذکر اخبار اصفهان ج ۲ ص ۹۳ .

۷۰ - ذکر اخبار اصفهان ج ۱ ص ۱۰۰ .

مدفون شده یا در آب‌بخشان درست آن معلوم نیست و اینکه بقعه مربوط به محمدبن یوسف را عوام شیخ سینا تلفظ میکنند نمیتوان گفت درست آن شیخ یوسف بناء و حاکی از آن باشد که شیخ یوسف هم در آنجا مدفون شده باشد، چه ممکن است مخفف همان شیخ محمدبن یوسف بنا باشد.

دیگری که در روشاباذ مدفون شده ابوبکر احمدبن عمرو بن ابی‌عاصم ضحاک‌بن مخلص بن مسلم بن رافع بن رفیع بن زهد بن شیمان شیمانی نبیل از فقه‌های ظاهری مذهب که ۱۳ سال قاضی اصفهان بود و در سال ۲۸۷ وفات یافت و پسرش حکم بن احمد براو نماز خواند و در مقبره روشاباذ یا دوشاباذ مدفون گردید<sup>۷۱</sup>.

نتیجه :

از مقالات مزبور بخوبی نسب ابونعیم از طرف پدر و مادر روشن گردید و معلوم شد که شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی جد مادری پدر ابونعیم بوده است و اینکه دریاورقی شماره (۶) مجله شماره ۱۳۱ ص ۲۶ هنر و مردم مرقوم شده که حافظ ابونعیم اصفهانی سبط احمدبن یوسف بنا بوده است درست نیست و این اشتباه از آنجا ناشی شده که عبارت منقول از نظام الاقوال از کتاب روضات الجنات در روضات بجای محمدبن یوسف اشتباهاً احمدنوشته شده و مؤید این نکته روضات الجناتی است که در اختیار نویسندگان نامه دانشوران بوده و نوشته شده بوده : «سبط محمدبن یوسف بناء» و در نسخه‌ایکه معروف بچاپ حاجی سیدسعید است روایت نظام الاقوال را همان سبط احمدبن یوسف بنا چاپ کرده و موجب اشتباه نویسندگان معاصر شده است چنانچه نویسندگان لغت‌نامه دهخدا هم در صفحه ۹۱۴ در لغت ابونعیم از روی روضات الجنات حاجی سید سعید دچار همین اشتباه شده‌اند و نویسنده مقاله آن مجله هم بالتبع دچار این اشتباه گردیده است.

مثل اینکه در معجم البلدان چاپ بیروت بجای «سبط شیخ محمدبن یوسف بناء» نوشته شده : «سبط شیخ محمدبن موسی بناء» در صورتیکه در معجم البلدان چاپ قبل و نیز در معجم‌البلدانی که در اختیار نویسندگان نامه دانشوران و روضات الجنان بوده همان یوسف نوشته شده بوده است.

بنابراین ابونعیم نسبش از طرف پدر چنین است :

ابونعیم احمدبن عبدالله بن احمدبن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی .

ونسبش از طرف مادر پدرش بدین شرح :

ابونعیم احمدبن عبدالله پسر دختر شیخ محمدبن یوسف بنای صوفی این یزیدبن معدان بن

ثقفی : و ابوبکر احمدبن یوسف که گفته شده جد مادری ابونعیم است با واقع مطابقت ندارد .